



ویژه نامه هفته ی ولایت و عید غدیر خم (۲)

ترسیمی از مراسم سه روزه در غدیر خم

ادامه کیفیت سخنرانی پیامبر (صلی الله علیه و آله)

در بخش پنجم خطبه، حضرت صریحا فرمودند: «هر کس از ولایت ائمه (علیهم السلام) سرباز زند اعمال نیکش سقوط می کند و در جهنم خواهد بود». بعد از آن شمه ای از فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را متذکر شدند.

در مرحله ششم، پیامبر (صلی الله علیه و آله) با تلاوت آیاتی از قرآن در رابطه با عذاب الهی و لعن دشمنان دین، فرمودند: «منظور از این آیات عده ای از اصحاب من هستند که مأمور به چشم پوشی از آنان هستیم، ولی بدانند که خداوند ما را بر معاندین و مخالفین و خائنین و مقصرین حجت قرار داده، و اغماض نسبت به آنان در دنیا مانع از عذاب آخرت نیست». سپس بیزاری خود را از گمراه کنندگان امت اعلام فرمودند و اشاره ای هم به «اصحاب صحیفه ملعونه» و غاصبین مقام امامت نمودند.

در بخش هفتم، حضرت تکیه سخن را بر اثرات ولایت اهل بیت (علیهم السلام) قرار داده فرمودند: «اصحاب صراط مستقیم در سوره حمد، شیعیان اهل بیت هستند». سپس آیاتی درباره اهل بهشت را به پیروان آل محمد (علیهم السلام)، و آیاتی درباره اهل جهنم را به دشمنان آل محمد (علیهم السلام) تفسیر فرمودند.

در بخش هشتم مطالبی اساسی درباره حضرت بقیت الله الاعظم حجت بن الحسن المهدی (ارواحنا فداه) فرمودند، و آینده ای پر از عدل و داد به دست امام زمان (عجل الله فرجه) را به جهانیان مژده دادند.

در بخش نهم مردم را به بیعت با خود و سپس با علی (علیه السلام) دعوت نمودند، و آن را از طرف خداوند و بیعت با حق تعالی دانستند.

در دهمین بخش، پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره کیفیت بیان احکام الهی در آینده مسلمین فرمودند: چون بیان همه حلال ها و حرام ها توسط من امکان ندارد، با بیعتی که درباره امامان (علیهم السلام) از شما می گیرم حلال و حرام را تا روز قیامت بیان کرده ام، یعنی بیان ایشان بیان من است. بالاترین امر به معروف و نهی از منکر را نیز، تبلیغ پیام غدیر درباره اطاعت از امامان (علیهم السلام) و نهی از مخالفتشان دانستند.

در آخرین مرحله خطابه، بیعت لسانی انجام شد و حضرت فرمودند: «خداوند دستور داده تا قبل از بیعت با دست، از زبان های شما اقرار بگیرم». سپس مطلبی را که خلاصه آن اطاعت از دوازده امام (علیهم السلام) و عهد و پیمان بر ثابت قدم بودن و بر رساندن پیام غدیر به نسل های آینده و غایبان از غدیر بود برای مردم گفتند، و مردم آن را تکرار کردند. کلمات نهایی پیامبر (صلی الله علیه و آله) دعا برای اقرار کنندگان و نفرین بر منکرین اوامرش بود، و با حمد و سپاس خداوند خطابه را به پایان رساندند.

دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثنای خطبه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) دو اقدام عملی انجام دادند که بسیار جلب توجه نمود:

اول: بلند کردن و معرفی امیرالمؤمنین (علیه السلام)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از مقدمه چینی و ذکر مقام امامت و خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، برای آنکه تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبهه بسته باشد، پس از معرفی صاحب ولایت به صورت لسانی، آن حضرت را عملاً معرفی کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند:

باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازویش را گرفته و او را بالا می برم.

پس از آن، حضرت گفته خود را عملی کردند و بازوان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستان خود را به سمت صورت حضرت باز کردند به طوری که دستانشان به سوی آسمان بلند شد. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت. در این حال از مردم پرسیدند: چه کسی صاحب اختیار شماست؟ گفتند خدا و رسولش؟ در اینجا فرمودند:

مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَاوَاهُ وَ اَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اَخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.

هر کس که من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست. خدایا دوستِ بدار هر کس او را دوستِ بدار. و دشمنِ بدار هر کس او را دشمنِ بدار، و یاری کن هر کس او را یاری کند، و خوار کن هر کس او را خوار کند.

دوم: بیعت با قلبها و زبانها

از آنجا که بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه مشکل بود، و از طرفی امکان داشت افرادی به بهانه‌های مختلف از بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند، لذا حضرت در اواخر سخنرانی فرمودند: ای مردم، چون جمعیت شما بیش از آن است که با دست من در زمان واحد بیعت کنید، پس همگی قبلاً این سخنی را که من می‌گویم به قصد بیعت تکرار کنید و بگویید: «ما فرمان تو از جانب خداوند را - که درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش به ما رساندی - اطاعت می‌کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستمان با تو بر این ادعا بیعت می‌کنیم... عهد و پیمان در این باره برای آنان از ما - از قلبها و جانها و زبانها و ضمائر و دستانمان - گرفته شد. هر کس توانست با دستش، و گرنه با زبانش بدان اقرار می‌نماید.»

بیعت مردان

با پایان یافتن خطابه، مردم به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) ازدحام کردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می‌دادند و تبریک و تهنیت می‌گفتند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور دادند تا دو خیمه بر پا شود. در یکی خود جلوس فرمودند و به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس فرماید. مردم دسته دسته در خیمه پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضور می‌یافتند و پس از بیعت و تبریک به خیمه امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌آمدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با حضرتش بیعت می‌کردند و با لقب «امیرالمؤمنین» به آن حضرت سلام می‌کردند، و این مقام والا را تبریک و تهنیت می‌گفتند. برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت و حضرت این مدت را در غدیر اقامت داشتند.

مسئله جالب در این بیعت آن بود که اولین کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند همان‌هایی بودند که زودتر از همه بیعت خود را شکستند و پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر که پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین (علیه السلام) ایستادند.

نکته ظریف دیگر این که ابوبکر و عمر قبل از بیعت به صورت اعتراض گفتند: ولایت علی را از جانب خود می‌گویی یا دستور الهی است؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «از طرف خدا و رسولش است.»

این اعتراض بی‌جا با توجه به سبقت آنان در بیعت - در حالی که سایر مردم بدون هیچ شک و شبهه‌ای بیعت می‌کردند - باطن منافقانه شان را برای تاریخ روشن ساخت.

جالب‌تر این که عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می‌راند: «افتخار برایت باد، گوارایت باد، ای پسر ابی طالب!

خوشا به حالت ای ابا الحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای.» **ارامه دارم...**